[حضور](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/130) [بهار 1371، شماره 4](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/130/6463/0)

**شیوه های تبلیغی اسلام در کلام عمل امام**

|  |
| --- |
| ارزش و اهمیت تبلیغ در دنیا در مجامع بشری و در اسلام و روش هدایت قرآن روشن و غیرقابل انکار است.  قرآن مجید پیامبران را مبلغ دستورات خداوند و تذکردهنده به آنچه در فطرت و نهاد انسانها قرار داده معرفی می کند از جمله به سوره اعراف ایه 59 الی 62 و ایه 65-68 که درباره دعوت حضرت نوح و هود، وارد شده توجه شود: لقد ارسلنا نوحاً الی قومه... قال الْملامنْ قومه انّا لنزیک فی ضلالٍ مبین قال یا قوم لیس بی ضلاله ولکنّی رسول من ربّ الْعالمین ابلغکم رسالات ربّی وانْصح لکمْ و اعْلم من الله ما لا تعلمون... و الی عاد اخاهم هوداً قال الْملاءالّذین کفروا من قومه انّا لنزیک فی سفاهة... قال یا قوم لیس بی سفاهة و لکنّی رسول من رّب العالْمین ابلغکم رسالات ربی.  امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره پیامبر اکرم می فرماید (فبلغ الرساله صاد عابها و حمل علی المحجه دالا علیها.)  (خطبه 185 بخش8.)  و در عبارت دیگر فبلغ رسالات ربه غیر و ان ولا مقصر  (خطبه 116 بخش 1)  و در خطبه دیگر فصدع بما امر به و بلغ رسالات ربه  (خطبه 231 بخش 1)  آری مقام تبلیغ و پایگاه هدایت و ارشاد همان مقام و پایگاه انبیاء است که باید برای آن ارزش قائل شد و مبلغین باید سعی در آراسته شدن به زیورهای معنوی و تخصصی این جایگاه والا مقام داشته باشند.  «بنابراین مسأله تبلیغات یک امر مهمی است که می شود گفت در دنیا در رأس همه امور قرار گرفته است مع الاسف ما در این دوره کوتاه نتوانستیم به این امر درست قیام کنیم. البته مشکلاتی که از اول در داخل کشور داشتیم و مشکلاتی که از خارج برای ما پیش آوردند. مانع شد و یک مقدار هم اهمال هایی در این امر شد. دیگران مشغول تبلیغ شدند، چه قدرت های بزرگ و چه وابستگان به آنها تبلیغات بر ضد ما کردند و تا آن مقدار که می توانستند و می خواستند این جمهوری اسلامی را بر غیر آن جهتی که دارد معرفی کردند. تبلیغات بر ضد ما وضعش این است و آن متاع ها که دارند بر خلاف انسانیت است.  برخلاف عقل است، برخلاف قراردادهای بین المللی است، لکن آنها با تبلیغاتشان آن متاع فاسد را در دنیا معرفی کرده اند به اینکه یک متاع کذا است.  این انقلاب بهترین انقلاب ها و بزرگترین انقلاب ها بوده است از حیث محتوا محتوای این انقلاب، اسلام و اخلاق اسلامی و اخلاق انسانی و تربیت انسان ها بر موازین انسانیت بوده است، بنابراین است که بواسطه این انقلاب متحوّل بشود یک انسان هایی که در رژیم سابق به آن وضع بودند به یک انسان هائی که در صدر اسلام و در رکاب رسول اکرم مشغول فداکاری یا ترویج احکام بودند. لکن ما این متاع خودمان را نتوانستیم عرضه کنیم. آنها باطل خودشان را به دنیا عرضه کردند به صورت حق و متاع خوب ما را عرضه کردند به دنیا به صورت موحش.  ما نتوانستیم که این متاع را به دنیا معرفی کنیم که ما چرا انقلاب کردیم. ملت ما چرا انقلاب کرد و چرا رژیم سابق را کنار گذاشت و چه می خواهد مقصد ملت ما چه هست.  به اشخاصی که اطلاع از ایران و وضع ایران ندارند یا کم دارند نتوانستیم به آنجا ارائه بدهیم که ما چه کردیم و چه می خواهیم.  مع الاسف در داخل کشور خودمان نیز یک عده ای که یا منحرف هستند یا جاهل در صدد این هستند که این انقلاب را یک انقلاب فاسد معرفی کنند. حتی بعضی از اشخاص که توقع نبود این کلمه را بگویند گفته ای که در زمان شاه بهتر از حالا بود.  آنها در تبلیغاتشان اتکاء دارند به قدرتهای بزرگ و بودجه هائی که از آنجا برایشان می اید ، و ما حق خودمان را بررسی کردیم و تبلیغ نکردیم.»[16]  با توجه به مقدمه ای که ذکر شد. اکنون به اصل موضوع برمی گردیم. اولین مسئله مهم و اساسی در امر تبلیغات مخاطب شناسی است. هر مبلغ و هر دستگاه تبلیغاتی آنگاه می تواند در کار و هدف خویش موفق باشد که مخاطبین خود را خوب بشناسد و آنگاه با درک موقعیت مخاطب خویش سخن بگوید در این قسمت بحث خویش را در دو قسمت پیش خواهیم برد:  الف: چه بگوئیم  ب: چگونه بگوئیم  چه بگوئیم و چگونه بگوئیم  الف: چه بگوئیم  قران مجید با بیان سبک و روش مناظره حضرت ابراهیم مبحث (چه بگوئیم) را توضیح می دهد که گاهی برای ایجاد آمادگی در مردم روش خاصی انتخاب میکند و بظاهر تسلیم عقایدی می شود که آنها را باور ندارد و غیرواقعی میداند و در پایان چهره واقعی حقیقت را از غبار خرافات میزداید و مانند مربی کودک که برای راه افتادن کودک آهسته آهسته و بالاخره کودکانه راه می رود تا باو شیوه راه رفتن بیاموزد. (سوره انعام از ایه 76 تا 79)  روش تبلیغی امام خمینی روش منتخب از قرآن و حدیث و بر طبق اصول جامعه شناسی و روانشناسی تبلیغ و تائید شده از مکتب وحی بود، امام در زمانی انقلاب را شروع کرد که طرح بحث حکومت اسلامی (بویژه با خصوصیت و ویژگی جمهوری اسلامی حتی برای خواص) نه قابل باور بود و نه قابل فهم و چه بسا مطرح کردن آن حتی در حوزه، مخالفینی شدیدتر و خطرناکتر بر علیه امام برمی انگیخت. و دشمن را هشیار و در مقاومت مصمم تر میکرد.  امام مبارزه را در بعد داخلی از اعتراض نسبت به انجمنهای ایالتی و ولایتی شروع کرد و در ادامه اصل قانونی تحلیف نمایندگان مجلس به کتاب آسمانی بجای قران کریم و شرکت زنان در انتخابات مجلس را به باد انتقاد گرفت.  با اینکه واقعیت مطلب در انحراف نظام خلاصه می شود و صرف نظر از اشکال به نظام نه انتخابات زنها مشکل بود و نه تحلیف یهود و نصاری در صورتی که به نمایندگی انتخاب می شدند. منظور آنکه امام از ابتدا تمام سخن را نفرمود و باندازه استعداد جامعه سخن میگفت و انتقاد میکرد و قدم بقدم موضوعات اساسی تر را از جمله مواد ششگانه انقلاب سفید شاه و خیانت در انتخابات و طرح سرمایه های کلان شاه (آنهم بصورت محترمانه) را مطرح می نمود و سپس حمله به شاه دوستان (نه خود شاه) و پس از آن تهدیدی ظریفانه به شاه و طرح آمریکائی بودن نظام و جریان کاپیتولاسیون و بالاخره اعمال ضد اسلامی و ضد انسانی حکومت سپس خود شاه و بحث بر اساس معلولها و پس از آمادگی لااقل خواص طرح ولایت فقیه و حکومت اسلامی بعنوان علاج مفاسد و درمان دردها مطرح شد و به حدی اوائل این زمینه ها ضعیف بودکه بعضی از بزرگان معتقد به امام در زمان بحث ولایت فقیه در نجف از عنوان «حکومت اسلامی» پرهیز داشتند و مخالف بودند و می گفتند بحث ولایت فقیه غیر از حکومت اسلامی است و امام بحکومت اسلامی کاری ندارد و ما هم نباید «حکومت اسلامی» طرح کنیم و زمانیکه امام در پاریس بودند عده ای از بزرگان ایران حد نهائی مبارزه را مطرح می کردند که تا چه مرحله باید مبارزه کرد ایا مقصود اجراء قانون اساسی است یا دولت تغییر پیدا کند یا اگر شاه باید برود کی بیاید و بالاخره، مگر آمریکا میگذارد مملکت بی نظام بماند و موضوع نیروهای مسلح چه می شود و ایا همسایه شمالی خواهد گذشت و آنچه کمتر (بویژه در محافل عمومی) مطرح میشد، تغییر نظام بود و حتی تفکر ایجاد حکومت اسلامی برای اکثر مردم مشکل بود تا چه رسد به مرحله گفتار و مقدمات آن و این روش خاص امام بود که هر سخن را جای خود و هر مرحله را بعنوان یک مرحله جدید و زمینه سازی برای مرحله بعد عنوان می فرمود.  آنچه گذشت در بعد زمانی بود و یک مبلغ و مسئول ارشاد جامعه نظیر آنرا نسبت به اشخاص مختلف در زمان واحد نیز میتواند و باید رعایت کند.  رهبر انقلاب رضوان ا.... تعالی علیه چه بسا مطالب سطح بالا را برای بعضی از خواص گفته بود و زمانی  بصورة شقشقه و اشاره و کنایه برای آنها بیاناتی داشت و آنها را میساخت و آماده میکرد که آن گفته ها را برای دیگران نمی گفت. تا جائیکه برای شاگردان درسی خود بطور عموم مطالبی تذکر می داد که طرح آن بحثها برای عموم قابل پذیرش نبود- و تمام این برنامه ها غیر از هدایت عقل در کلمات رهبران دینی نیز آمده است.  **1- سادگی در بیان و گفتار...**  ب: چگونه بگوئیم:  قرآن با اینکه از نظر ادبی در مرحله اعلای فصاحت و بلاغت است ولی اکثر مباحث و پیامهایش برای عموم روشن است و اگر بگفته دانشمندان ایات دارای مراحلی از معرفت و ارشاد و بگفته روایات دارای (بطون) است پائین ترین سطح آن برای عموم قابل درک است: «خداوند ایات خود را برای مردم روشن میسازد شاید ارشاد شده توجه کنند» و نه تنها برنامه پیامبر ما که تمام انبیاء «و ما ارسلنا من رسول الّا بلسان قومه لیبین لهم» ابراهیم ایه4  و این امر یکی دیگر از ویژگیهای امام بود که مطالب عالی عرفانی و سیاسی و اجتماعی را با بیانی ارائه می داد که نوع جامعه استفاده میکرد، گفته هایش هر چند پر محتوا و در سطح بالا، ولی قابل فهم برای عموم بود.  **2- استفاده از تمثیل**  یکی از ویژگیهای قرآن بیان حقایق در قالب صنعت تشبیه و تمثیل است.  امام امّت نیز در بیاناتش از تشبیه و مثل استفاده می نمود گاهی ابرقدرتها را به حیوانات درنده تشبیه میکرد.  اکنون به چند مورد از بیانات ایشان که از تمثیلات استفاده نموده اند اشاره می نمائیم.  **استفاده از مثل**  «کشور مثل خانه خود شما هست باید خود صاحبخانه ها به فکر خانه هایشان باشند. صاحبخانه ها ملت هستند... و این خانه ای که الان مخروبه بوده است و به دست شماها افتاده است باید خودتان به فکر آن باشید»[17]  «یک درختی که تازه در آمده است می شود کند آن را و یک بچه هم می کند آن را، این درخت وقتی که یک مقداری بزرگ شد، یک مرد بزرگ می تواند بکند، یک قدری بزرگتر شد محتاج به آلات است که کنده بشود یک وقت درختی که تناور شد و بزرگ شد مثل چنار، امام زاده صالح نمی دانم حالا هست یا نه این را دیگر به این چیزها نمی شود کند آن را. این ریشه های اخلاق فاسده، ریشه های اعمالی که در انسان هر عملی بکند یک ریشه ای در نفس پیدا می شود، اولش آسان است یک معصیتی کرد، می تواند زودی برگردد یک قدری که اضافه شد مشکلتر می شود..»[18]  «اما قضیه تشرهای آقای کارتر، نمیدانم شما این مثل را می دانید، من حیفم می اید که مثل بزنم به شیر پیر که می گویند وقتی که مقابل یک دشمن می ایستد هم فریاد می زند و هم از آن طرفش چیزی بیرون می اید و هم دمش را حرکت می دهد، فریاد می زند برای اینکه طرف را بترساند، می ترسد از این جهت از او چیزی هم صادر می شود، دمش را حرکت می دهد برای اینکه میانجی پیدا کند»[19]  «مثل کشورهای ما مثل بیماری است که لااقل پنجاه و چند سال بیماری کشیده است و همه قشرها به بیماری او دامن زدند و الان از بار قشرهائی که دامن به بیماری او می زدند فارغ شده است لکن بیمار است. از بیماری که پنجاه و چند سال به بیماری او کمک کردند و خائنین دامن زدند، نباید متوقع بود که به مجرد اینکه دامن زنها خارج شدند بیمار فوراً صحیح بشود... این بیماری غربی را توقع نداشته باشید که با هشت ماه یا با هشت سال یا بیست سال این بیماری رفع بشود.»[20]  از خصوصیات یک مبلغ اسلامی رعایت کامل برنامه های عقل و شرع در امر ارشاد است: اسلام یک حزب نیست که روی تعداد گروندگان و اعضاء حزبی حساب کند و توجّه باخلاق و نیت و ساختار اخلاقی آنها نداشته باشد اسلام یک مکتب است بمنظور تربیت و رشد همه جانبه انسانها و استوار بر اصول واقعیت و حقیقت، از اینرو مبلغ اسلامی که برای راستی و صداقت و درک واقعیت مردم گام برمی دارد نمی تواند دروغ و خلاف و حتی مبالغه را ابزار کار خود قرار دهد و این پیروان مکتبهای انحرافی هستند که معتقدند «هدف وسیله را توجیه می کند» و لذا برنامه های تبلیغاتی دنیا نوعاً و اکثرا براساس تحریف حقایق و نشر اکاذیب و جوسازیهای بی واقعیت و بالاخره بر هر روش انحرافی ممکن، پایه گذاری شده است. در اینجا به ذکر نمونه هایی اشاره می نمائیم:  دکتر گوبلز وزیر تبلیغات آلمان نازی:  دکتر گوبلز وزیر تبلیغات آلمان نازی: دروغ را باید آنقدر بزرگ و مکرر گفت که کسی در راستی آن اشک نکند.  **نقش موسیقی در جنگ نفت**  طبق نقل شبکه تلویزیونی (سی. ان. ان) آمریکا، موسیقی را هم وارد جنگ کرده است. نوعی موسیقی گوشخراش که نظر جوانان آمریکائی را بخود جلب کرده و بنام موسیقی «فلزسنگین» یا موسیقی «شیطان» معروف شده و ترغیب به خودکشی و تسلیم شدن می کند. حتی والدین این جوانان به دادگاههای آمریکا شکایت کرده اند که این نوع موسیقی فرزندانشان را به اعمال زشت سوق می دهد.  می گویند امریکا برای دستگیری «نوریگا» در پاناما از این نوع موسیقی استفاده کرد. هم اکنون هم می گویند آمریکا در جنگ نفت برای تسلیم کردن سربازان عراقی از این نوع موسیقی مدد گرفته و همراه با پیامهائی دال بر تسلیم شدن توسط بلندگوهای قوی در جبهه ها پخش می کند. این روش دنیای کفر بود.  ولی پیامبر اسلام در تبلیغ خود هیچگاه از روشهای انحرافی و خلاف مکتب استفاده نمی کرد. حتی اگر مقدمات آن از طرف دیگران فراهم شده، آنرا بر هم میزد و مردم را بواقعیات آشنا می ساخت از جمله زمانیکه «ابراهیم» فرزند رسول الله در زمان حیات او بدرود زندگی گفت تصادفاً آنروز آفتاب گرفت، و مردم اینرا معجزه ای برای پیامبر تلقی کردند و گفتند گرفتن آفتاب بخاطر مرگ فرزند پیامبر بوده، پیامبر تا ماجرا را شنیده مردم را در مسجد جمع کرد و فرمود:  «ای مردم آفتاب و ماه دو نشانه از نشانه های خداوندند، بفرمان او حرکت می کنند و مطیع امر او هستند زندگی و مرگ کسی در نور آنها مؤثر نیست (برای مرگ انسانی تاریک نمی شوند) هنگامیکه ماه و خورشید بگیرد نماز ایات بخوانید سپس از منبر پائین آمد و با مردم نماز ایات خواند.  امام امت در رابطه با همیت دعوت به تبلیغ و روش تبلیغ و تفاوت تبلیغات ما و دیگران می فرماید:  و توجه داشته باشید که بالاتر چیزی که می تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و در خارج صادر کند تبلیغات است، تبلیغات صحیح، آنچه که هست، هیچ مبالغه نکنید، ما متاعمان یک متاعی است که محتاج به مبالغه نیست، همان سرپوش هائی که دیگران روی متاع ما گذاشته اند، همان دروغ هائی که تبلیغات سوء و ضد ما منتشر کرده اند. شما همانها را با آن مبارزه کنید و مسائل اسلامی هم همانطوری که هست و آن چیزی که ملت ما از اول خواست او بوده است و حالا هم همان را تعقیب می کند و انشاءالله بعدها هم دنبال همین معناست و به پیش خواهدبرد، در تبلیغاتتان همین معانی را در خارج منعکس کنید و باز باید بعدها هم ادامه بدهید در یک مواقعی که لازم است باید سفارتخانه های ما یک مرکز تبلیغات باشد و متأسّف کم بوده است این، اخیراً شاید یک مقداری باشد والا در بسیاری از اوقات هیچ نبوده است، در بعضی اوقات به ضدش هم در بعضی جاها بوده است باید همه اینها توجه بشود و این تبلیغاتی که در رأس همه امور است برای پیشبرد مقاصد یا جلوگیری از مقاصد، این تبلیغات را شما دامنه دارش کنید و هرچه بیشتر انشاءالله موفق باشید به این مطلب بزرگ».  **بررسی عوامل ضلالت و هدایت و توجه به آنها در تبلیغ:**  یک مبلغ باید دقیقاً عوامل ضلالت و انحراف همچنین نقطه های مثبت اجتماعی را برای رشد جامعه ها بداند و جامعه خود را بر اساس آن عوامل رسیدگی کامل نماید و سپس برنامه های تبلیغی را با توجه به این بررسی ها انجام دهد.  دلیل عقب ماندگیهای جامعه مورد نظر را درک کند- و اگر مقصود او هدایت فرد است نقاط روانی و عقب ماندگی آن فرد را رسیدگی کند و برای زدودن آن در تلاش باشد، مثلاً جامعه ای که ضعف و فساد او جهل یا اختلاف طبقاتی است باید پس از مشخص شدن آن محورها فقط روی آنها انگشت گذاشته شده و بحث شود و بحث در محورهای دیگر که بی ارتباط با جامعه مورد نظر است کار لغو و بیهوده است، هم چنین اگر در فرد مورد اشاره نقطه ضعف بی ایمانی یا جهل وجود دارد باید بر همان محورها تکیه شود.  امام رضوان الله علیه در بیاناتش روی نقاط ضعف مردم ایران تکیه کرده و سعی نموده است که آنچه بعنوان نقطه های کور انحراف است بگشاید و لغزشگاههای فکری را زایل و پایه های آزادی و استقلال فکری را بنیانگذاری کنند در زمان امام یکی از معتقدات بعضی عوام اعتقاد به وجود شاه به عنوان عامل ثبات و قدرت و حیات جامعه بود و نیز خوشبینی نسبت بغرب که اگر غرب نبود، هیچ گونه پیشرفتی نداشتیم.  این عقیده که تا آنها نباشند و ما وابستگی نداشته باشیم نمی توانیم قدمی برداریم (از خود بیگانگی) و این که اسلام فقط برای آخرت است و نمی تواند دنیا را اصلاح کند و ده ها عقیده انحرافی دیگر.  ما در لابلای کلمات امام اصول عوام زدائی و خرافه زدائی را در جهت زدودن این ضعف ها و سایر نقطه های ضعف اجتماعی دیگر می بینیم که در صدد اصلاح برآمده و در مقام رفع ابهام و انحراف سخن به میان آورده اند.  «آنهایی که می گویند که ما برای حقوق بشر چه و مجلس حقوق بشر درست کردیم، از این حرف ها، ببینند اینها با بشر چه جور رفتار کردند. کجا حق بشر را به او دادند. یکی از بشرها ما بودیم دیگر، ما هم یک دسته ای بشر هستیم، پنجاه و چند سال است که ماها یادمان است، همه حقوق ما را از بین بردند، همه چیزمان را از بین بردند همین هایی که دعوی می کنند حقوق بشر، همین ها فوج فوج بشر را می کشند و فریاد میزنند حقوق بشر. نآگاه وقتی در ایران نصیری را می کشند یا هویدا را می کشند، هیاهو بلند می کنند چرا کشتید... اینها بشر را نمی شناسند، چه تا حقوق بشر را.»[21]  **اعمال ضد انسانی کارتر در لوای انساندوستی**  «این سی و پنج میلیون انسان بمیرند (اعلام محاصره اقتصادی از طرف کارتر) برای یک نفر (شاه) که شما  جنایاتتان معلوم نشود. آقای انساندوست پنجاه هزار نفر دانشجو را بیخودی می خواهی از امریکا خارجشان کنی، شما انساندوستی؟ شما مطابق حقوق بین الملل دارید عمل می کنید؟ شما بشر می خواهید...»[22]  **استفاده از ارزشهای مشترک برای تبلیغ**  خطاب به کارتر: «تو خدمت گذار به ملت خودت هستی، تو اگر خدمتگذار به ملت بودی میگفتی خوب این خیانت کرده، ما این خیانتکار را می دهیم دست کسانی که به او خیانت کرده، این خدمتگزاری بود، این آبروئی بود، همه ملت ایران برای تو هورا می کشیدند، اما حالا چه شده؟[23]  **تحقیر و به رخ کشیدن نقاط ضعف خصم**  خطاب به کارتر  «این ارزش دارد که برای یک توّهم، آدم این کار را بکند، این عقل اقتضاء می کند که انسان برای توهّم اینکه شاید برسم به آنجا» اینقدر عمل جنایت بکند.[24]  «در روزنامه خواندم که دواهایی در آمریکا قدغن شده است که استعمال بکنند آنجا، لکن مجازند که به دنیای ثالث بفرستند. شما ببینید اینها چه نظری به ما می کنند ما را مثل یک موجود زنده، شاید فرض نمی کنند. والله برای هر موجود زنده هم انسان اینطور حاضر نیست که یک دوایی که مضر است بفرستد که به حیوان بدهد. شما ببینید که ما با چه موجوداتی مقابل هستیم، با چه موجودات کثیفی در امریکا ما مواجه هستیم»[25]  «دین اسلام دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش.» ، «در صدر اسلام از همین مسجدها جیش ها، ارتش ها راه می افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلامی بوده مسجد،... مسجد مرکز اجتماع سیاسی است»[26]  «یک روزی بود که اگر ملائی راجع به مطلب سیاسی یک کلمه می گفت می گفتند این آخوند سیاسی شده بیندازش دور، شاید به نماز او هم نمی رفتند. این چه بود؟ این روی نقشه ای بود که آخوند را از سیاست کنار بگذارند، اسلام را کنار بگذارند و سیاست هم کنار و علیحده، آنها هم کارهای خودشان را انجام بدهند و مخازن ما را ببرند و مملکت ما را تحت سلطه قرار بدهند»[27]  «خود انگلیس ها به مردم اینطور می گفتند که اینها (ملاها) انگلیسی اند اینها منحرفند، انگلیسی اند... اینها را گذاشتند برای اینکه مردم را خواب بکنند. دین اصلش تخدیر است، دین مثل مخدرات می ماند. مردم را خواب کنند که آنها بچاپند و اینها حرف نزنند... این دو نقشه بود که اسلام را از نظر مردم پایین بیندازند و مردم به آن بی اعتنا بشوند و آنها هم که اسلام را ترویج می کنند، از آنها هم می ترسیدند، آنها را هم منحط کنند تا اینکه این دو تا قدرت وقتی که از ملت گرفته شد دیگر ملت نمی تواند کاری انجام بدهد.»[28]  در رابطه با ازخودبیگانگی امت های اسلامی و بازگشت بخویشتن  «کوشش کرده اند غربی ها که ما را از خودمان بیخود کنند، ما را میان تهی کنند. به ما اینطور بفهمانند و فهماندند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید».[29]  **اتکاء به خود، رمز استقلال**  «ما تا بنای بر این نگذاریم که خودمان هم یک آدمی هستیم برای خودمان می توانیم کار کنیم، ما به آن نان جوی که خودمان درست کنیم تا بنای بر این نگذاریم که همان نان جو را می خوریم و از خارج نمی خواهیم، نمی توانیم درست کنیم کار را»[30]  **استقلال فکری شرط اول استقلال است**  «ما تا نفهمیم این مسائل را، توجه نکنیم به این مسائل و خودمان را نیابیم، این گمشده را پیدا نکنیم، این مغزی که گم شده است و به جای او یک مغز دیگری نشسته عوضش نکنیم، نمی توانیم مستقل بشویم، استقلال مغزی شرط اول استقلال است استقلال فکری شرط اول استقلال است که ما فکرهایمان را عوض کنیم از این انگل بودن خودمان را در آوریم.[31]  «یک ملتی که فهمیده مرضش چیست، ابتدای هر چیزی فهم این است که گرفتاری چیست، در این پنجاه سال ما را از اینکه بفهمیم گرفتاری ما چیست، اغفال کرده بودند ما آن میکروب های فاسد را و مفسد را برای خودمان درمان می دانستیم ما آنهایی که ما را به تباهی می کشیدند برای خودمان معالج می دانستیم».[32]  «باید ما، نه ماتنها، شرق باید شرق خودش را که گم کرده پیدا کند. اینها با تبلیغات خودشان ما را همچو به غرب برگرداندند غربزده کردند که همه چیز خودمان را، همه مفاخر خودمان را یادمان رفت، برای خودمان دیگر چیزی قائل نیستیم»[33]  **بیدار کردن ملتها از خواب ازخودبیگانگی**  «ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سر پای خودمان بایستیم و بفهمیم ما هم موجودی هستیم».[34]  «شما بدانید که این نهضت ملت ایران، این عظمت قدرت های بزرگ با تبلیغات تحمیل کرده بودند بر دماغ ها، که اصلاً نمی شود با انگلستان درافتاد. حالا هم دیگر اصلا با آمریکا نمی شود درافتاد این عظمت را شکست».[35]  **بازگشت به خویشتن خویش**  «یک جمعیت کمی در مقابل آنها ایستاد و حرفش را زد. ص91 این شکست در این معنا یک شکست کمی و آسانی برای آنها نبود که آن وضع که آنها پیش آورده بودند که به همه مغزها تحمیل کرده بودند که شماها هیچ کاری نمی توانید بکنید، تا ما حرکتی بکنیم چه خواهد شد..»[36]  **مبلغ و ایمان به هدف**  یک مبلغ واقعی بیش از هر چیز باید به هدف و برنامه ایکه برای مخاطبین خود مطرح میکند ایمان داشته باشد یک غیرمؤمن می تواند با الفاظ فریبنده و قالبی سخنهائی را ببافد و احیانا اگر هنرمند باشد در عده ای هم مؤثر باشد ولی با گذشت زمان و ملاحظه قرائن به علت عدم ایمان و باور نداشتن آنچه می گوید، افراد از گرد او پراکنده شده بلکه بیک سلسله نیروهای دشمن و مخالف تبدیل می شوند ولی یک فرد مؤمن چه بسا با سوز و گدازیکه از ایمان او حکایت می کند و پیگیری و استقامت و آثار باوریکه از او ظاهر می شود می تواند افراد قوی و با اندیشه و رشد یافته را بسوی خود جذب نماید و ایمان او جبران ضعف بیان و ناتوانی هنری و ضعف تخصص وی را بنماید که در اجتماع نمونه هائی از هر دو نوع، بارها دیده شده است.[37]  پیامبر گرامی اسلام یک مبلغ مؤمن که قرآن مجید درباره ایمانش می فرماید: آمَنَ الّرسول بما انزل الیه من ربه  و اثر ایمان او در استقامتهایش و عمل و توکلش ظاهر بود.  پیامبر آنچه را می فرمود ابتدا خود عمل می کرد و در قرآن مجید سرزنش شده از افرادیکه بین گفتار و عملشان هم گامی وجود ندارد «یا ایها الّذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون» توکل و استقامت پیامبر عجیب بود برای ایشان شرائط مساعد و نامساعد تفاوت نمی کرد.  **امام امت مؤمن زمان**  امام خمینی نیز که ضمن دارا بودن بسیاری از ویژگیها، یک رهنمای کامل بود از ایمانی قوی نیز برخوردار بود که آثار آن را در عمل و استقامت و توکل ایشان در شرائط بحرانی چه زندگی فردی و چه اجتماعی می توانیم بیابیم توکل رهبر انقلاب عجیب بود، شاید در اولین سخنرانی رسمی و یا دومین آن بود که ایشان سخنرانی خودشان را با ایه مبارکه «قل انّما اعظکم بواحده ان تقوموالله مثنی و فرادی» ابتدا نمود و اضافه کرد هدف ما «احدی الحسنیین» است دشمن رادیو و تلویزیون روزنامه، مجله و همه وسائل تبلیغی را دارد و ما همین ضبط صورت را (اشاره فرمودند به ضبطی که مرحوم آقامصطفی با خود آورده بودند زیرا تمام ضبطها را ساواک جلو درب مسجد از شرکت کنندگان گرفته بود) و سرنوشت آنهم تا بیرون مسجد روشن نیست ولی ما وظیفه داریم و پروردگار وعده حمایت داده. و ما وظیفه خود را انجام می دهیم و چه پیروزی و چه شهادت، سعادت از آن، ماست.  و عجیب اینست که قدرت او در این سخنرانی و آنچه در بهشت زهرا هنگام ورود به ایران در سال 57 ایراد کردند و در سخنرانیهای قبل و بعد تفاوتی محسوس نبود در همین سخنرانیها بود که فرمود خود را برای سیلی ها و زندانها و سختیها آماده کنید و قبل از همه خود آماده شده بود و همه رنجها حتی شهادت جانسوز فرزند عالم و مجتهدش حاج آقا مصطفی را تحمل کرد و در آنچه در دیگران انتظار داشت خود ابتدا عمل نمود.  از خصوصیات یک مبلغ دلسوز استفاده و بهره برداری از فرصتهای تبلیغی است این ویژگی را که میتوان از آثار ایمان بهدف شمرد. مبلغ دلسوز را همیشه در انتظار فرصتها و پیگیر شرایط مناسب قرار میدهد که در هر زمینه مساعد بدون از دست دادن فرصت بذر هدایت می پاشد و با پیگیری و ادامه راه او را ببار می نشاند.  زندگی پیامبران و امامان پُر است از گواه و شاهد این برنامه و ما بعنوان استشهاد به یک فراز از هدایتهای قهرمان عفت یوسف سلام ا... علیه اشاره می کنیم زمانیکه دو زندانی از او تعبیر خواب پرسیدند یوسف قبل از اینکه خواب آنها را تعبیر کند سخن را به یک مناسبت ضعیف به بحث توحید و موضوع خداپرستی کشانید و با یک بررسی مقایسه ای آفات شرکت و مزایای توحید را بازگو کرده ما همین روش را در اکثر سخنرانیهای امام آشکارا می بینیم و زندگی تبلیغی امام پر است از استفاده از فرصت و فرصتها و مناسبتهای ضعیف و حتی ایجاد مناسبت نمودن. فلسفه نامه امام به گورباچف برای بسیاری نامفهوم بود. ولی این تیزهوشی و بینش ظریف امام بود که درست ضربه را در موقع خود و در جای مناسب خود وارد کرد و قبل از همه، شرایط ضربه پذیری مارکسیسم را درک نموده بود که در همان موقع ضربه را بموقع و بجا وارد کرد و تمام این درکها مرهون شوق امام به نشر دین و اسلام و عنایات الهی که شامل اینگونه افراد است بود. هم چنین در ماجرای سلمان رشدی که یک طرح حساب شده از طرف کفتار پیر انگلستان برای نابودی اسلام بلکه زیر سئوال رفتن دین بود که حضرت امام ماجرا را تبدیل کرد به یک حادثه کوبنده و متحد و نیرومند بر علیه استعمار ضداسلام. حکم بر علیه سلمان رشدی را آنچنان قاطع گفت که کسی جرأت نقض نداشت و اگر خواست ایجاد تزلزل و لرزشی کند با همان قدرت به او هم حمله کرده که اگر صد بار هم توبه کند و با آب زمزم هم شستشو نماید. هم چنان مرتد و ناپاک و مهدورالدم است. و مسئله را (چنانکه بود) بعنوان تمام مسلمین مطرح کرد و یک صف بزرگ متحد بر علیه جریان ایجاد کرد راهپیمائیهای بزرگ در تمام کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی و حتی در انگلستان بر علیه جریان ضداسلامی غرب ایجاد کرد و موضوع را بنام دشمنان اسلام و دین عمومیت داد که عمومیت نیز داشت و بالاخره یک توطئه ضداسلامی وی را به نیروی اسلامی متحد و متشکل و فراگیر تبدیل کرد.  ادامه دارد |